

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ پیشینه و سیر تدوین

سهراب مقدمی شهیدانی
محمد جواد فرج نژاد ابرقویی

چکیده

تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از دستاوردهای سیاسی بنیادین انقلاب اسلامی است. اطلاع از پیشینه، انگیزه‌های اولیه و نخستین پیش نویس‌های قانون اساسی، از مدعای خلاف واقع برخی اعضای نهضت آزادی در مصادره این دستاورد پیشگیری خواهد کرد. این نوشتار در پی تبیین سیر تدوین پیش نویس قانون اساسی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است و در ضمن آن، به تبیین عملکردها و مواضع جریان‌ها، سازمان‌ها، احزاب و شخصیت‌های سیاسی - مذهبی در قبال تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، پیش نویس قانون اساسی، قانون اساسی جمهوری اسلامی، نهضت آزادی، جریان‌های سیاسی - مذهبی ایران



یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی، سقوط نظام سلطنتی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی بوده است. از جمله لوازم تغییر نظام سیاسی کشور، تدوین قانون اساسی جدید است که در آن، ضمن تعیین نوع نظام حاکمیتی، حقوق اساسی مردم و تعیین وظایف و اختیارات قوای حاکمیتی در آن متجلی می‌گردد. تصمیم تاریخی امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم کنار گذاردن قانون اساسی مشروطیت و تدوین قانون اساسی جدید، در حالی اتخاذ شد که برخی جریان‌های داخلی آخرین تلاش‌ها را در آخرین روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی برای حفظ نظام شاهنشاهی و قانون اساسی مشروطیت به کار بستند.

در میان طرفداران حفظ قانون اساسی مشروطیت، نام برخی از سران نهضت آزادی به چشم می‌خورد.^۱ به عنوان نمونه مهندس مهدی بازرگان، از اعضای باسابقه جبهه ملی و از مؤسسان نهضت آزادی، در اوایل شهریور ۵۷ طی نامه‌ای خطاب به امام،^۲ ضمن تشریح سیاست «مبارزه گام به گام»، بر ضرورت حفظ قانون اساسی مشروطیت تأکید می‌کند. در بخشی از این نامه تاریخی چنین آمده است:

... هدف نهایی البته سرنگونی رژیم است. اما در مرحله اول رفتن شاه، در مرحله دوم نظارت و محدودیت جانشینان او، در چهار چوب قوانین موجود و آزادی‌ها، سوم کار کردن روی افکار و تشکیلات و تربیت و تجهیزات و در مرحله چهارم تبدیل به جمهوری اسلامی.

... حکومت اسلامی یگانه هدف و منظور نهایی هر مسلمان باید باشد. عنوان کردن آن در جواب سؤال خبرنگار/مؤمنده کاملاً به جا بوده است اما هنوز مشخص و شناخته نشده و تعریف واحدی پیدا نکرده، روی کیفیت حکومت اسلامی از جهات عدیده ایدئولوژیک اقتصادی - سیاسی، اداری و غیره به قدر کافی و مقبول کار نشده است لذا نمی‌تواند در حال حاضر به عنوان جانشین قانون اساسی و مشروطیت عرضه شود. در افکار روشنفکران، حتی متدینین مبارز با سابقه و در محافل بین‌المللی

۱. برای اطلاع تفصیلی از عملکرد «نهضت آزادی» در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی رک: سهراب مقدمی شهیدانی و میثم عبداللہی چیرانی، *نقدی بر مدخل «خمینی روح‌الله» در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۸۳-۸۰.

۲. مهندس بازرگان در آذرماه سال ۶۰ طی یادداشتی به ابراهیم یزدی، مضمون این نامه را «ماحصل بحث‌ها و مشورت‌هایی در تهران» برمی‌شمارد! رک: *تصنت سال صبوری و شکوری (یکصد و هجده روز در نوفل‌لوشاتو)*، خاطرات دکتر ابراهیم یزدی، ج ۳ نسخه اینترنتی، ص ۴۹۰.

عکس العمل مطلوب ندارد...^۱

آن گونه که می بینید، گرچه وی خود را مستقیماً در تقابل با هدف غایی انقلاب اسلامی (یعنی تشکیل حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی) قرار نمی دهد، اما از امام می خواهد که «در چهار چوب قوانین موجود» حرکت کند و حتی تا شهریور ۵۷ هم بر این باور است که:

حکومت اسلامی نمی تواند در حال حاضر به عنوان جانشین قانون اساسی و مشروطیت عرضه شود. در افکار روشنفکران، حتی متدینین مبارز با سابقه و در محافل بین المللی عکس العمل مطلوب ندارد...^۲

چه بسا و نیز به اصل حکومت دینی اعتقاد داشته اما با توجه به بن مایه های فکری، توانمندی های علمی و احاطه دانشی، قدرت درک ماهیت چنین حکومتی را نداشته و لاجرم، به جای تلاش در جهت تحقق یک نظام دینی، پیشنهاد حفظ وضع موجود را ارائه کرده است.

آن گونه که پیداست، الگوی مطلوب مهندس بازرگان، مبارزه گام به گام در چهار چوب قانون اساسی مشروطیت است که لازمه آن عدم براندازی رژیم سلطنت بوده است. به روایت ابراهیم یزدی، پس از سفر بازرگان به پاریس، محتوای همین نامه بی جواب بازرگان به امام، دوباره از طرف بازرگان مطرح شده است که واکنش منفی امام را در پی داشت.^۳

مهندس بازرگان در ملاقات با امام خمینی، نظرهای خود را بیان کرد، ولی با اقبال امام روبه رو نشد و امام به صورت کاملاً قاطع نظریات ایشان را رد کردند و او هم بدون وصول به نتیجه مطلوب به ایران بازگشت.

روایت دیدار بازرگان با امام و حواشی مربوط به آن، در کتاب خاطرات دکتر فاطمه طباطبایی - همسر مرحوم سید احمد خمینی - نیز انعکاس یافته و از این اختلاف های

۱. همان، ص ۴۹۲-۴۹۱.

۲. دکتر ابراهیم یزدی مدعی است که موضوع گفت و گوی بازرگان با امام در سفر به پاریس نیز همین نامه بوده است! و این نشان می دهد که تا واپسین روزهای سقوط پهلوی، بازرگان همچنان بر حفظ قانون اساسی مشروطیت پای فشاری داشته است. البته او بعد از عدم توفیق در جلب نظر امام با حالت قهر به ایران بازگشت!

۳. ابوالفضل توکلی بینا- از کسانی که مانند بسیاری از انقلابیون مدت کوتاهی در پاریس حضور یافته است- در خاطراتش چنین نقل کرده است:

«مهندس بازرگان وقتی از ایران به پاریس آمد، در اولین ملاقات با حضرت امام می گوید که راه بن بست است. مردم خسته شده اند... مهندس بازرگان هم اظهار کرده بود که می خواهم با دوستانم مشورت کنم... مهندس بازرگان هم آمد ایران و پس از مشورت اعلامیه کم رنگی دادند.» رک: فرامرز شجاع حسینی (به کوشش)، دیپلار در نوفل لوشاتو: خاطرات سیاسی- اجتماعی ابوالفضل توکلی بینا، تهران، عروج، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰-۲۲۹.



بنیادین بین امام و اعضای نهضت آزادی حکایت دارد.^۱ خانم طباطبایی ضمن بیان تفصیلی اختلاف دو گفتمان موجود، به اظهار نظر مرحوم سید احمد خمینی (ره) در مکالمه با خود، این‌گونه اشاره کرده است:

تلفنی با احمد صحبت کردم و تحلیل‌هایی را که شنیده بودم برایش گفتم. او گفت امام همچنان بر این باورند که شاه باید برود. رژیم شاهنشاهی باید ساقط شود و به جای رژیم سلطنتی، جمهوری اسلامی محقق شود و متذکر شده‌اند این مطالب باید به طور مکرر و پی‌درپی، به مردم گفته شود تا نهضت مردم منحرف نشود و به سردی نگراید. احمد گفت: البته آقای بازرگان بر موضع خود اصرار و امام هم به موضع خود اعتقاد دارد.^۲

طرفداران بقای قانون اساسی مشروطیت (که لازمه‌اش حفظ سلطنت پهلوی بود)، به شعارهایی مانند «شاه بماند، سلطنت کند و نه حکومت» و «مبارزه در چهارچوب قانون اساسی» متمسک شده بودند اما با تدبیر قاطعانه و تصمیم هوشمندانه امام خمینی (ره) همه این تلاش‌ها بی‌فروغ ماند و «سقوط سلطنت» و «تدوین قانون اساسی جدید» از سوی امام به عنوان دورا هبرد انقلابی خلل‌ناپذیر و قطعی اعلام شد. امام خمینی (ره) نیز علاوه بر مخالفت با سیاست‌های ناصحیح نهضت آزادی در جلسات خصوصی، خطر انحراف انقلاب اسلامی از جانب ایشان را بارها در جلسات عمومی - و البته به دلیل ملاحظات مبارزاتی، بدون ذکر نام - مطرح کرده‌اند که بازخوانی نمونه‌ای از این اظهار نظرها که در پاسخ به طرح بازرگان ایراد شده است، راه‌گشاست. امام در سخنرانی خود در تاریخ ۲۹ آبان ۵۷ - تنها چند روز پس از ملاقات بازرگان با ایشان - خطاب به دانشجویان و ایرانیان مقیم خارج، چنین می‌فرماید:

من به... بعضی از این آقایان که آمده بودند و می‌گفتند که «سیاست قدم به قدم»، خوب حالا یک قدم برداریم و بعدش صبر کنیم یک مدتی بگذرد بعد قدم دوم را برداریم، گفتم آقا اگر شما این قدم را سست کنید، [در] قدم دوم قدم‌های شما را می‌شکنند! این طور نیست که یک قدر صبر کنند که شما حالا قدم اول را برداشتید حالا ایشان سلطنت کند نه حکومت!... بعد از این همه جنایات حالا دیگر بیایند آقا سلطنت

۱. فاطمه طباطبایی، *قلیلم خاطرات*، تهران، عروج، ۱۳۹۱، ص ۴۴۷-۴۴۶.
۲. همان، ص ۴۴۶.

کنند نه حکومت! این اگر پایش مستقر بشود، دنبال این هستند که این نهضت را بخوابانند با هر طور که می‌توانند. اینها دنبال این هستند. و اگر این نهضت بخوابد، این آتشی که در دل مردم روشن شده است و خدا روشن ترش کند اگر این بخوابد و این آتش خاموش بشود، دیگر امکان ندارد که این نهضت پیدا بشود، یا شبیه آن پیدا بشود... ایرانی‌ها بیدار باشند، ملتفت باشند که در چه مقام حساسی واقع شده‌اند، الان چه موقعیتی از برای ایران الان هست. مثل سابق نیست که خوب حالا امروز نشد فردا؛ خیر دیگر امکان ندارد. بین موت و حیاتید شماها! بین زندگی و موت هستید.^۱

امام از نخستین روزهای ورود به پاریس، صراحتاً مخالفت خود را با حفظ شاه و نظام سلطنتی (ولو به شرط کم شدن اختیارات پادشاه و عمل به مفاد قانون اساسی مشروطیت) اعلام می‌کند. به عنوان مثال در تاریخ ۱۰ آبان ۵۷ صراحتاً اعلام می‌دارند که:

با توجه به تجارب تلخ گذشته ملت ما از این خاندان، هیچ‌گونه راه حلی در چهارچوب شاه سلطنت کند و نه حکومت، قابل قبول نخواهد بود. علی‌الاصول ما با رژیم سلطنتی مخالف هستیم.^۲

طرفدارای از حفظ قانون اساسی عصر پهلوی، فقط منحصر در چهره‌های ملی-مذهبی و خصوصاً اعضای نهضت آزادی نبوده، بلکه یکی از مراجع تقلید قم هم در طرفداری از تزی بقای سلطنت مشروطیت، شناخته می‌شود. آیت‌الله شریعتمداری، در پاییز ۵۷ در مصاحبه با خبرنگاری فرانسسه و خبرنگاری پارس، «عمل به قانون اساسی وقت» را مکفی می‌داند. وی در پاسخ به سؤال خبرنگار خبرگزاری پارس، «عمل به قانون اساسی وقت» را اساسی که فعلاً مورد اجراست مورد تأیید جنابعالی است؟^۳ چنین پاسخ می‌دهد: «نص همین قانون عمل بشود مورد تأیید ماست.»^۴ این نحوه موضع‌گیری انتقادات فراوان و واکنش‌های شدیدی را در میان انقلابیون برانگیخت. انتشار نامه‌ای سرگشاده به نام «آزیر قرمز» خطاب به «آیات عظام و علمای اعلام ایران»، یکی از مهم‌ترین واکنش‌های اعتراضی بود که در ۱۴ آبان‌ماه ۵۷ در لبنان منتشر شد و در سطح وسیعی در ایران انتشار یافت^۴ و بعداً مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفت و برخی رسانه‌ها ماجرا را از شخص آیت‌الله

۱. صحیفه/امام، ج ۵، ص ۵۹-۵۸.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۴۵.

۳. به نقل از: سید حمید روحانی، شریعتمداری در دادگاه تاریخ، قم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۷۶.

۴. رک: همان، ص ۱۷۸-۱۶۴. این نامه با امضای «روحانیون مبارز-گروه ۱۵ خرداد» نشر یافته است.



شریعتمداری پی گیر شدند.^۱

نظر به مدعاهای برخی چهره‌های ملی-مذهبی، با هدف مصادره ابتکار امام در جهت «تدوین قانون اساسی»،^۲ بازخوانی سیر تدوین قانون اساسی امری ضروری است. این نوشتار بر آن است که ضمن بازخوانی سیر تاریخی «تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی»، عملکردها و مواضع جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی-مذهبی مختلف را در قبال این ماجرا روشن سازد.

یک تجربه ناشناخته

روشن است که هیچ انقلابی بدون برخورداری از راهکارهای مترقی و برنامه روشن برای دوران پس از پیروزی، امکان رسیدن به ثبات پس از پیروزی و استقرار یک حاکمیت ماندگار در جامعه پسانقلابی نخواهد داشت. توجه به تجارب تلخ انقلاب‌ها و نهضت‌های گذشته، این موضوع را در ذهن انقلابیون ایران به یک دغدغه جدی مبدل کرده بود که ناگزیر می‌بایست برای دوران پس از پیروزی، برنامه عملی ایجابی داشته باشند. تشکیل گروه ولایت در آغاز دهه چهل، و بعد هم آغاز دروس ولایت فقیه امام در سال‌های پایانی دهه چهل (سال ۱۳۴۸)، در پیگیری چنین دغدغه‌ای اهمیت تاریخی داشت و در کانون‌های نخبگانی (و حتی در میان عموم مبارزان) بازتاب نسبتاً گسترده یافت. این تکاپوها در ابتدای دهه پنجاه شمسی (سال ۱۳۵۴)، منجر به تدوین نخستین پیش‌نویس «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» گردید. سندی بسیار مهم که تقریباً در تمام مقالات و کتاب‌های مربوط به بررسی تاریخ حقوق عمومی و اساسی در ایران، از آن سخنی به میان نیامده است. این سند بسیار مهم، که البته از موضوع این مقاله خارج است، نشان می‌دهد که کانون‌های انقلابی در ایران، به موازات تلاش برای براندازی رژیم سلطنتی، در پی ایجاد یک حکومت دینی مردم‌سالار بوده‌اند. بعید نیست که

۱. «ایران پست»، جمعه ۲۷ آذر ۱۳۵۷، ص ۷.

۲. برخلاف مستندات تاریخی، برخی از ملی-مذهبی‌ها تلاش می‌کنند التفات به لزوم قانون اساسی را به خود نسبت دهند. به عنوان نمونه دکتر ابراهیم یزدی در کتاب خاطرات خود ادعا دارد لزوم نوشتن پیش‌نویس را او به امام پیشنهاد داده است: «موضوع دیگری که در این گفت‌وگوهای صبحگاهی مطرح کردم این بود که آقا حالا دنیا خوب می‌داند که ملت ایران و شما چه نمی‌خواهید، ولی نمی‌داند چه می‌خواهید. اینکه بگوییم شاه برود کافی نیست. شاه باید برود، اما چگونه؟ و به علاوه با رفتن او کشور با خلأ روبه‌رو می‌شود، ما چه برنامه‌ای برای بعد از رفتن او داریم؟» (ابراهیم یزدی، *ثبوت سال صبوری و شکوری*، ج ۳، ص ۲۷ و ۲۸)، «بنابر این تنها راه حل عملی و کم‌ضرر، تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جدید است. هر نظامی با قانون اساسی آن تعریف می‌شود. برای تسریع امور می‌توانیم این پیش‌نویس را تدوین کنیم و سپس یک مجلس مؤسسان منتخب مردم آن را بررسی و نهایی کند.» (همان، ص ۱۵۱)

تدوین کنندگان این پیش‌نویس (که البته تاکنون ناشناخته مانده‌اند)، نیم‌نگاهی به نمونه‌های تحقق‌یافته حکومت «جمهوری اسلامی» در برخی کشورهای اسلامی و نیز تولیدات برخی متفکران مسلمان در جای‌جای سرزمین اسلامی داشته باشند و از ایشان الهام گرفته باشند، اما پیش از بررسی مفاد این پیش‌نویس و انگیزه و آب‌شخور فکری نگارندگان آن، اصل چنین اقدامی، بسیار پر اهمیت و قابل تقدیر است و طبعاً مدعاهای واهی برخی افراد که خود را مبتکر ایده «جمهوری

تصمیم تاریخی امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم کنار گذاردن قانون اساسی مشروطیت و تدوین قانون اساسی جدید، در حالی اتخاذ شد که برخی جریان‌های داخلی آخرین تلاش‌ها را در آخرین روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی برای حفظ نظام شاهنشاهی و قانون اساسی مشروطیت به کار بستند

اسلامی» معرفی می‌کنند را باطل می‌کند.^۱ پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۴ به دلیل ضبط آن توسط ساواک (در اداره پست)، در محافل انقلابی امکان نشو و نما و بحث و بررسی نیافت و لذا تلقی عمومی آن است که نخستین بار در سال ۵۷ نسبت به نگارش پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی، اقدام شده است! در این نوشتار بدون مدخلیت دادن به پیش‌نویس سال ۱۳۵۴، سیر تدوین پیش‌نویس نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سیر تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی

در شرایطی که حتی برخی شخصیت‌های سیاسی و مذهبی مشهور بر حفظ قانون اساسی سلطنت تأکید داشتند امام خمینی (ره) مسئله تدوین قانون اساسی جدید را مستقیماً پی گرفت. ایشان در گذشته نیز پس از انتشار جزوات دروس «ولایت فقیه» در سال ۴۸، در ضمن دعوت عمومی از همه طلاب و دانشجویان، بر مطالعه پیرامون کیفیت اجرای حکومت اسلامی تأکید ورزیده بود،^۲ و در لیبیک به این درخواست عمومی، حرکت‌های فراگیری سامان یافته بود که انتشار نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۵۴

۱. برای اطلاع تفصیلی از مفاد این پیش‌نویس و نیز مشاهده اسناد مرتبط با آن رک: سهراب مقدمی شهیدانی (به کوشش)، *نخستین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی/ ایران*، تهران، بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.

۲. برای اطلاع تفصیلی در مورد سیر تکوین حکومت اسلامی و دعوت امام از نخبگان دانشگاهی و حوزوی برای تأمل پیرامون ابعاد حکومت اسلامی رک: حسن مقدمی شهیدانی و علی رستمی، «پیشینه‌شناسی مفهومی جمهوری اسلامی»، *۱۵ خرداد*، دوره سوم، س ۱۳، تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۳۲-۹۳.



یکی از آنهاست.^۱ اما با نزدیک شدن به موسم سقوط نظام شاهنشاهی و پای فشاری امام بر تأسیس نظام اسلامی، ایشان این بار دستور تهیه پیش‌نویس قانون اساسی را در ایام حضور در نوفل‌لوشاتو به دکتر حسن حبیبی واگذار کرد. وی دوشنبه دوم بهمن ۵۷ پیش‌نویس اولیه خود را به امام داد و قرار بود که به تهران آورده شود تا دیگران هم نظر دهند.^۲ اما به دلیل بسته بودن فرودگاه‌ها، امام پیش‌نویس را به وی پس دادند تا در رفت و آمدها از بین نرود. به گفته وی دو گروه نیز در تهران اقدام به تهیه پیش‌نویس کرده بودند که این مطلب را بعد از سفر به ایران فهمیدند.^۳

۱. حجت‌الاسلام والمسلمین سید حمید روحانی در جلد ۴ کتاب *نهضت/امام خمینی(ره)*، از سلسله پژوهش‌هایی حول حکومت اسلامی سخن می‌گوید. از جمله آن تحقیقات نوشتن قانون اساسی برای جمهوری اسلامی در سال ۵۴ می‌باشد. وی بیان می‌کند که «بی‌تردید این طرح و اندیشه و متن قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۴ در نجف از نظر امام گذشت و با او مطرح شد. نمی‌توان باور کرد آنهایی که متن قانون اساسی جمهوری اسلامی را برای عناصر و چهره‌های گوناگون ایران حتی مقامات ژاندارمری و ساواک پست کرده‌اند، این طرح را با امام در میان گذاشته و از نظر او نگذرانده‌اند. افزون بر این، آنچه در ایران می‌گذشت، اعلامیه‌ها، نامه‌ها و شب‌نامه‌هایی که پخش می‌شد، حتی شعاری در گوشه‌ای نوشته می‌شد، کسانی در ایران، بی‌درنگ آن را برای امام گزارش می‌کردند و امام را در جریان می‌گذاشتند.» رک: سید حمید روحانی، *نهضت/امام خمینی*، ج ۴، ص ۱۲۹.

۲. دکتر حبیبی: «من از همان اوائل در مورد حقوق اساسی اسلام و شیعه تحقیقات کرده بودم و جزوهای هم به عنوان امامت در حقوق شیعه نوشته بودم و بر این اساس مفاهیم ولایت فقیه و امامت را با موازین حقوق اساسی غرب بیان و قالب‌بندی کرده، اشاره کرده بودم که حقوق عمومی و حقوق خصوصی در اسلام مجزا نیست و این یک پایه جامعه‌شناختی دارد... با توجه به کوشش‌هایی که در مورد تطبیق امامت با حقوق اساسی جدید کرده بودم، اقدام به تهیه یادداشت‌هایی کردم که در آن زمان ما می‌گفتیم یادداشت و حال می‌گویند پیش‌نویس و البته فرصت بزرگی که پیش آمده بود، امکان دسترسی به امام و کسب فتاوی‌ای حقوقی ایشان بود. به این ترتیب مسائلی که برای من مبهم بود و یا لازم بود که نظر امام اخذ شود از ایشان سؤال می‌کردم... بالاخره این یادداشت‌ها در آخر بهمن‌ماه آماده شد. اظواهر اشتهایی در گفتار ایشان هست، زیرا در ادامه از ابتدای بهمن سخن می‌گوید. بعد از اینکه این یادداشت حاضر شد، با یکی از آقایان اهل علم که آنجا بودند دو شب نشستیم و این قانون را از نظر شرعی و فقهی مورد بررسی قرار دادیم. به خصوص قسمت شورای نگهبان را که قبلاً نظرات امام را در مورد شورای نگهبان کسب کردیم... به هر صورت در روز دوشنبه دوم بهمن‌ماه این پیش‌نویس را تقدیم امام کردم و این بدین علت بود که در روز پنج‌شنبه همان هفته قرار بود به تهران بیایم و قرار بود که قبل از ماهیعی روز سه‌شنبه به تهران بیاید. نظر امام این بود که متن پیش‌نویس را این گروه به تهران ببرد تا در آنجا مورد بررسی عده‌ای از فقها قرار بگیرد.» (مصاحبه اختصاصی کیهان با دکتر حبیبی، ۵۸/۶/۱۱، شماره ۱۰۷۹۷، رک: سند شماره ۱۱۷)

۳. در مصاحبه دکتر حبیبی، تنها به نام برخی افراد اشاره شده است و به طور مشخص نام گروه خاصی برده نمی‌شود. البته دکتر کاتوزیان به دعوت شدن عده‌ای به منزل آقای صدر حاج سیدجوادی اشاره می‌کند؛ دکتر کاتوزیان: «نهضت آزادی به اروپا رفته بودند و آنجا قرارهایی گذاشته بودند. شورای انقلاب تشکیل شده بود. در این زمان از عده‌ای که حدود ۴۰ یا ۵۰ نفر می‌شدند دعوت کردند که در منزل آقای صدر حاج سیدجوادی که بعدها وزیر دادگستری دولت موقت بازگان شد گرد هم آیند. صدر حاج سیدجوادی در آن جلسه گفت: «به هر حال امام روزی به ایران خواهد آمد و ما باید آمادگی داشته باشیم. دست روی دست گذاشتن درست نیست. باید قانون داشته باشیم.» آن‌گروه‌هایی تا چند جلسه دیگر هم ادامه یافت ولی اختلاف نظر‌ها در آن گروه بسیار زیاد بود و از همان ابتدا معلوم بود که به نتیجه‌ای نخواهند رسید. به همین جهت دکتر حسن حبیبی به عنوان نماینده امام از اروپا به تهران آمد و گفت امام گفته‌اند یک عده محدودی که هم مسلمان باشند و هم آگاه به مسائل روز و انقلابی باشند انتخاب کنید و از آنان برای نوشتن پیش‌نویس قانون اساسی استفاده شود. خود دکتر حبیبی نیز ترجمه‌ای از قانون اساسی فرانسه تهیه کرده و به امام نشان داده بود که امام گفته بودند به ایران بروید و دکتر حبیبی نیز آن را در کمیسیون حقوقی مطرح کرد.» ناصر کاتوزیان، «گذری بر تدوین اولین پیش‌نویس قانون اساسی»، *حقوق اساسی*، س ۱، ش ۱، پاییز ۸۲، ص ۱۲۴. از طرفی آقای میناچی نیز میزبان برخی افراد (ظاهراً همان افراد نام برده در متن دکتر حبیبی) بوده است. لذا به نظر می‌آید اشاره به دکتر حبیبی، به جلسات صدر حاج سیدجوادی و جلسات آقای میناچی می‌باشد، که ایشان با اعضای جلسات آقای میناچی کار را ادامه می‌دهد.

با ورود امام به ایران، ایشان در حکم نخست‌وزیری بازرگان به تاریخ ۱۵ بهمن ۵۷، زمینه‌سازی برای تغییر نظام سیاسی و تدوین قانون اساسی را یکی از وظایف اصلی دولت موقت بر شمردند تا همچنان بحبوحه حوادث انقلاب، مانع از تدوین قانون اساسی جدید نگردد. در حکم بازرگان چنین آمده است:

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان: بنا به پیشنهاد شورای انقلاب، بر حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرای اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است... جنابعالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب اداره امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندوم و رجوع به آرای عمومی ملت درباره تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت بر طبق قانون اساسی جدید را بدهید.^۱

جالب آنکه همزمان با حکم نخست‌وزیری دولت موقت، دقیقاً در همین روز، نامه‌ای تاریخی از شهید صدر وجود دارد که در آن پیش‌نویسی برای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارائه داده است. شهید صدر این متن را در پاسخ به سؤال تعدادی از علمای لبنان و در مقام تبیین دیدگاه فقهی خود پیرامون «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نگاشته است. ایشان پس از ذکر ویژگی‌های انقلاب اسلامی، به نقش بی‌بدیل رهبری نهضت تحت عنوان «مرجعیت رشیده» تأکید می‌ورزد و در ادامه اندیشه‌های بنیادین در پیش‌نویس قانون اساسی را توضیح می‌دهد. ایشان آنگاه به بیان روش‌های اعمال حاکمیت از سوی مردم و همچنین شرایط و ویژگی‌های شخصی که مسئولیت مرجعیت را قبول می‌کند، می‌پردازد. در بخش پایانی نامه نیز شهید صدر تعدادی از اهداف جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را برمی‌شمارد و نظریه کوتاه فقهی خود در این نامه را، تنها به عنوان پیشنهادی که قابل بررسی و اجراست معرفی می‌نماید. نامه مورد بحث به تاریخ ۶ ربیع‌الاول ۱۳۹۹ برابر با ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ شمسی (پیش از رفراندوم تعیین نظام سیاسی و قبل از انتشار رسمی پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۵۵.



اسلامی ایران) نگاشته شده است.^۱ این نامه اکنون به زبان فارسی ترجمه شده و در اختیار همه محققین فارسی زبان قرار دارد.^۲

به گفته دکتر حبیبی، وی به همراه آقایان صدر حاج سید جوادی،^۳ ناصر کاتوزیان، محمدجعفر لنگرودی، عبدالکریم لاهیجی^۴ و ناصر میناچی^۵ پیش نویس قانون اساسی را در ۱۶۰ اصل تکمیل و اصلاح نمودند.^۶ دکتر کاتوزیان نام آقای فتح الله بنی صدر^۷ را نیز به این جمع اضافه می کند.^۸ پیش نویس در تاریخ ۷ اسفند ۵۷ به امام تحویل داده

۱. به تازگی پژوهشگاه تخصصی شهید صدر اعلام کرده که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از ورود امام خمینی به ایران، شهید صدر تألیف مجموعه‌ای با نام «الاسلام یقود الحیاه: اسلام راهبر زندگی» را آغاز نموده است. به نوشته این مرکز، نگارش اولین مقاله از این مجموعه در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ (عربیع الاول ۱۳۹۹ ق) به پایان رسید و «لمحه فقهیه تمهیدیه عن مشروع دستور الجمهوریه الاسلامیه فی ایران؛ نگاهی فقهی و مقدماتی به پیش نویس قانون جمهوری اسلامی ایران» نام گرفته است. به گفته این مرکز پژوهشی، به دلیل شرایط امنیتی عراق، این پیش نویس به شکل پاسخ به استفتاء نگاشته شده و در تاریخ ۶ اسفند ۵۷ به ایران فرستاده شده است. از قول شهید صدر چنین آمده است: «رهبران بزرگوار انقلاب در ایران مشغول به کارها و مشکلات پر شمار مربوط به برقراری امنیت و تحکیم پایه‌های انقلاب هستند و بی شک در این زمان این فرصت برای آنها مهیا نمی شود که به تأمین جنبه‌های فکری نهضت بپردازند و ما باید در این زمینه، ولو با همین تلاش ساده، به ایشان کمک کنیم». گفتنی است مقالات مربوطه در سال ۵۸ برای نخستین بار ترجمه شده است. اکنون مجموعه مقالات شهید صدر در موضوع پیش گفته با نام «اسلام راهبر زندگی» توسط پژوهشگاه تخصصی شهید صدر نشر یافته است. برای اطلاع

بیشتر در این باب رک: پایگاه رسمی پژوهشگاه تخصصی شهید صدر www.imam-sadr.com

۲. رک: محمدباقر صدر، «نگرشی فقهی و مقدماتی به پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ترجمه امین رضا عابدی نژاد داورانی، *اندیشه صادق*، ش ۱۰، بهار ۱۳۸۲، ص ۱۸-۸.

۳. وی از اعضای اولیه و بنیانگذار نهضت آزادی ایران و از اعضای فعال نهضت مقاومت ملی، دادستان تهران، عضو شورای انقلاب، وزیر دادگستری، وزیر کشور، نماینده مردم قزوین در اولین دوره مجلس شورا، پیش و پس از انقلاب بوده و به مدت ۳۰ سال سرپرستی دوائرالمعارف تشیع را عهده‌دار بوده است.

۴. حقوق دان و از مؤسسان جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر.

۵. وی از مؤسسان حسینیه ارشاد به شمار می رفت و تا پایان عمر نیز عهده‌دار سمت مدیریت این مرکز بود. نیز ارتباط نزدیکی با اعضای نهضت آزادی داشت و در دولت موقت، عهده‌دار وزارت ارشاد بود.

۶. دکتر کاتوزیان تعداد اصول آن پیش نویس را، ۱۵۰ اصل بیان می کند.

۷. او از اعضای اصلی نهضت مقاومت ملی و عضو کمیته اجرایی و کمیته انتشارات و تبلیغات بود.

۸. دکتر کاتوزیان: «بنابراین می توان گفت اولین پیش نویس قانون اساسی در هیئتی تصویب شد که اعضای آن عبارت بودند از دکتر حبیبی، دکتر جعفری لنگرودی، مرحوم فتح الله بنی صدر که بعدها دادستان کل کشور شدند، آقای لاهیجی، آقای میناچی و خود من. آقای میناچی به دلیل مشغله زیاد، کمتر در جلسات کمیسیون شرکت می کرد ولی از لحاظ تهیه مکان و غذا پیوسته ما را یاری می کرد و محور تشکیل کمیسیون بود. بنی صدر نیز از نیمه راه از ما جدا شد و گفت انقلاب در جای دیگر به من نیاز دارد و در حکومت موقت با سمت دادستان کل کشور شروع به فعالیت کرد. از آن جمع چهار نفری بنده مسئول نوشتن اصول پیش نویس شدم. یعنی مذاکرات را می شنیدم و خود نیز پیشنهادهای می دادم. با توجه به نیازهایی که انقلاب داشت، می خواستیم جلوی ضرباتی که از حکومت سابق خورده بودیم، گرفته شود. لذا پس از مذاکرات و تجزیه و تحلیل فراوان، مذاکرات را به صورت اصل می نوشتم. بسیاری از اصول را هم در منزل تهیه می کردم و در جمع مطرح می کردم که اگر مورد موافقت قرار می گرفت به عنوان اصل قانون اساسی نوشته می شد. در طول دو یا سه ماه توانستیم کار را تمام کنیم. به طوری که گاهی در روز ۱۵ ساعت کار می کردیم و بالآخره ۱۵۰ اصل قانون اساسی را نوشتیم.»

رک: ناصر کاتوزیان، «گذری بر تدوین اولین پیش نویس قانون اساسی»، *حقوق اساسی*، س ۱، ش ۱، پاییز ۸۲، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.

می‌شود^۱ و در تاریخ ۱۰ اسفند به توصیه امام برای علما در قم فرستاده شد^۲ و در ۱۴ اسفند متن نهایی حاصل از تلفیق نظریات علما توسط همان جمع فوق‌الذکر، را به امام دادند.^۳ همچنین در تاریخ ۲۷ اسفند از طریق آقای صدر حاج سید جوادی به هیأت دولت تحویل داده شد. در هیئت دولت نیز در شورای طرح‌های انقلابی زیر نظر دکتر یدالله سبحانی^۴ پیش‌نویس مورد بررسی قرار گرفت.^۵ عزت‌الله سبحانی فرزند وی می‌گوید: «در این مرحله دکتر سنجابی از طرف حزب ملت ایران، دکتر صحت از طرف حزب مردم ایران و یکی و دو نفر حقوقدان دیگر روی آن کار کردند. من هم حضور داشتم. طرح اولیه کمی تعدیل شد.»^۶ پیش‌نویس بعد از دولت موقت به شورای انقلاب رفت و تقریباً با سرعت تصویب شد.^۷ پیش‌نویس تصویب‌شده در دولت موقت یک مرتبه در تاریخ ۸ و ۹ اردیبهشت ۵۸ در ۱۶۰ اصل منتشر شد^۸ و پاره‌ای از نظریات امام در آن

۱. مصاحبه اختصاصی کیهان با دکتر حبیبی، ۵۸/۶/۱۱، شماره ۱۰۷۹۷، ص ۱۰. ناصر کاتوزیان، گامی به سوی عدالت، ج ۱، ص ۵۳۵.

ناصر میناچی وزیر اطلاعات دولت موقت در تاریخ ۸ اسفند ۵۷ اعلام کرد که «طرح قانون اساسی در دست امام خمینی است.» (کیهان، ۵۷/۱۲/۹، ش ۱۰۶۴۹، ص ۳) البته دکتر کاتوزیان این تاریخ را ۱۹ بهمن (روز دیدار کارکنان نیروی هوایی با امام) بیان می‌کند اما ظاهراً اشتباه می‌گوید زیرا در ابتدای خاطرات خود (ص ۱۱۸، نشریه حقوق/اساسی) می‌گوید: «به خاطر می‌آورم که روز ۲۲ بهمن زمانی که پادگان‌ها سقوط کردند به همراه دکتر حسن حبیبی که او نیز از نویسندگان پیش‌نویس بود از حسینیه ارشاد محل برگزاری کمیسیون پیش‌نویس برمی‌گشتیم...» که نشان می‌دهد تاریخ ۱۹ بهمن اشتباه است و همان تاریخ ۹ اسفند که دکتر حبیبی می‌گوید، درست می‌باشد.

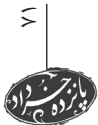
۲. ناصر کاتوزیان، «گذری بر تدوین قانون اساسی»، همان، ص ۱۲۵؛ نیز مصاحبه اختصاصی کیهان با دکتر حبیبی، ۵۸/۶/۱۱، شماره ۱۰۷۹۷، ص ۱۰.

۳. مصاحبه اختصاصی کیهان با دکتر حبیبی، همان. دکتر کاتوزیان بیان می‌کند که در این جلسات آقایان میناچی و بنی‌صدر حضور نداشتند. رک: کاتوزیان، گامی به سوی عدالت، ج ۱، ص ۵۳۷.

۴. از اعضای مؤسس نهضت آزادی ایران بود.
۵. مصاحبه اختصاصی کیهان با دکتر حبیبی، همان.

۶. ماهنامه چشم/نماز/ایران، «شریعتی‌الگوی آرمانی توسعه»، ش ۲۶، ص ۷۰. عزت‌الله سبحانی می‌گوید: «طرح اولیه کمی تعدیل شد. حبیبی اختیارات رئیس‌جمهور را خیلی بالا برده بود و در مقابل نخست‌وزیر را خیلی ضعیف کرده بود، در کمیسیون هیئت دولت که پدر بنده ریاست آن را بر عهده داشت، اختیارات نخست‌وزیر را بالاتر و اختیارات ریاست‌جمهوری را پایین آوردند تا تعادلی برقرار شود.»

۷. در روزهای ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ خرداد ۵۸ بخشی از جلسات شورای انقلاب به این امر اختصاص یافت. شهید محمدجواد باهنر: «شورای انقلاب نگاهی فوری و گذرا به پیش‌نویس کرده و چون باید نظرات عموم مردم لحاظ شود، لازم بود مجلسی از صاحب‌نظران تشکیل شود... شورای انقلاب در مورد این طرح و پیش‌نویس نظر مساعد و موافق خودش را اعلام نمی‌کند بلکه منتظر است نظرها جمع شود و در مجلس خبرگان دقیقاً به کار تنظیم و تکمیل و اصلاح این قانون اساسی رسیدگی شود و حتی شورای انقلاب آماده است که بپذیرد و دگرگونی اساسی و مبنایی در بسیاری از موارد این قانون را.» (جمهوری/اسلامی، به تاریخ ۵۸/۵/۱۳)
۸. کیهان، ۹ و ۸ اردیبهشت ۵۸، شماره‌های ۱۰۶۹۴ و ۱۰۶۹۵؛ نیز رک: سند شماره ۴۶.



اعمال شده بود^۱ و به عنوان پیش‌نویس مقدماتی خوانده شد.^۲

نظریات مختلف پیرامون ضرورت و کیفیت تأسیس مجلس مؤسسان

بعد از انتشار رسمی پیش‌نویس مصوب دولت موقت و شورای انقلاب (در ۱۵۱ اصل) در تاریخ ۵۸/۳/۲۴^۳ بحث‌های داغی پیرامون ضرورت یا عدم ضرورت تشکیل مجلس مؤسسان قانون اساسی شکل گرفت. در مورد تشکیل مجلس مؤسسان یا خبرگان یا به رأی گذاشتن همان پیش‌نویس سه نظریه کلی وجود داشت:

۱. تشکیل مجلس مؤسسان و تصویب قانون اساسی توسط آن: نظر آقایان مهدوی‌کنی، یدالله سبحانی، مهدی بازرگان، ابوالحسن بنی‌صدر، داریوش فروهر.
۲. برگزاری رفراندوم: نظر آقایان سید علی خامنه‌ای، اکبر هاشمی رفسنجانی، عزت‌الله سبحانی، قطب‌زاده.

۳. تشکیل مجلس کوچک‌تر (خبرگان قانون اساسی): نظر آقایان بهشتی، موسوی اردبیلی، طالقانی.^۴

البته در این زمینه نظریات دیگری نیز مطرح بود که کمتر در کانون توجهات قرار داشت. در اینجا به چهار مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. نظر آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری: معتبر بودن قانون اساسی مشروطه همراه با حذف اصول مربوط به سلطنت و عدم نیاز به مجلس خبرگان.^۵ البته این نظریه عملاً پذیرفته نشد. امام در سخنرانی خود اعلام نمود که چون رژیم سلطنتی غیر قانونی و نامشروع است، قانون اساسی این نظام هم از اعتبار ساقط است.^۶

۲. برگزاری هم‌زمان رفراندوم جمهوری اسلامی و قانون اساسی تا مردم هنگام رأی به جمهوری اسلامی بدانند که به چه نظام و قانونی رأی می‌دهند. این پیشنهاد نیز در شورای انقلاب رد شد.^۷

۱. سید جواد ورعی، *مبانی و مستندات قانون اساسی*، ص ۶۱.

۲. یدالله سبحانی، *کیهان*، ۵۸/۲/۲۲، ش ۱۰۷۰۴؛ حسن حبیبی آن را متن دست‌کاری شده پیش‌نویس شمرد که با استفاده از متن اولیه تهیه شده بود. رک: *کیهان* ۵۸/۱۰/۲۵، ش ۱۰۹۰۶؛ نیز ناصر کاتوزیان، *حقوق اساسی*، «گذری بر تدوین قانون اساسی»، همان.

۳. *کیهان* ۵۸/۳/۲۴، ش ۱۰۷۳۲؛ نیز رک: اسناد شماره ۴ و ۸.

۴. *صورت مذاکرات شورای انقلاب*، جلسه مورخ ۵۸/۲/۲۵ به نقل از: سید جواد ورعی، *مبانی و مستندات قانون اساسی به روایت قانونگذار*، ص ۳۹.

۵. *کیهان*، ۵۸/۷/۱۵، ش ۱۰۸۲۴، ص ۳.

۶. *صحیفه امام*، ج ۵، ص ۳۰۴.

۷. *صورت مذاکرات شورای انقلاب*، ج ۱، ص ۲۱.

آیت الله گلپایگانی: از بعضی از مواد این پیش نویس (اول) معلوم می شود که به واسطه فاصله ای که در دوران پنجاه و چهار ساله اخیر میان مردم و فرهنگ اسلام ایجاد شده، تحت تأثیر یکی از دو فرهنگ شرق و غرب ناخودآگاه بر آن اند که آنچه در مملکت به عنوان نظام مقرر شود باید یا تقلید از نظامات غربی یا نظام شرقی باشد

۳. تدوین قانون اساسی توسط آقایان و معتقدان به اصول انقلاب؛ این افراد که مورد اعتماد رهبر و مردم هستند به وسیله یک شورای محدود سه نفری به انتخاب امام و ریاست آقای طالقانی انتخاب شوند.^۱
 ۴. عدم نیاز به برگزاری انتخابات به دلیل حجت بودن نظر اکثریت اعضای مجلس تدوین قانون اساسی.^۲
 بررسی دلایل هر کدام از نظریات، نیازمند تفصیل در جای دیگر می باشد.^۳

روزشمار تدوین پیش نویس قانون اساسی

در این بخش، به منظور آرایه تصویری روشن از سیر تحولات، تاریخچه وقایع مرتبط با تدوین قانون اساسی، به اختصار مرور می شود.

پاریس (قبل از بهمن ۵۷): پیشنهاد شدن به دکتر حبیبی برای نوشتن پیش نویس

۲ بهمن ۵۷: دادن پیش نویس توسط دکتر حبیبی به امام در پاریس (که چند روز بعد به او باز گردانده شد).

۱۵ بهمن ۵۷: تأکید امام خمینی بر تدوین قانون اساسی جدید در حکم نخست وزیر دولت موقت، همچنین نگارش پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی توسط شهید صدر

۱۹ بهمن ۵۷: اولین جلسه مشترک دکتر حبیبی با کمیسیون مشخص شده برای تدوین پیش نویس

۱۷ اسفند ۵۷: دادن پیش نویس در ۱۶۰ اصل به امام

۱۰ اسفند ۵۷: فرستادن آن برای علمای قم

۲۴ اسفند ۵۷: دادن متن نهایی حاصل از تجمیع نظریات علما به امام

۲۷ اسفند ۵۷: دادن پیش نویس به دست آمده توسط آقای صدر حاج

سید جوادى به هیئت دولت

۱. امت، ش ۱۰، ۱۳۵۸/۳/۳۰، ص ۲.

۲. صورت مذاکرات شورای انقلاب، ج ۲، ص ۶۹.

۳. رک: سید جواد وری، همان، ص ۴۵-۳۶.



۸ و ۹ اردیبهشت ۵۸: انتشار پیش‌نویس بررسی شده در دولت موقت به عنوان پیش‌نویس مقدماتی برای اعلام نظرها در ۱۶۰ اصل
 ۶ تا ۲۴ خرداد ۵۸: بررسی در شورای انقلاب
 ۲۴ خرداد ۵۸: انتشار پیش‌نویس رسمی مصوب دولت و شورای انقلاب.

۱۲ مرداد ۵۸: انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی
 ۲۸ مرداد ۵۸: شروع به کار مجلس خبرگان قانون اساسی
 ۲۴ آبان ۵۸: اتمام کار تدوین قانون اساسی در ۱۷۵ اصل توسط خبرگان قانون اساسی
 ۱۲ آذر ۵۸: تصویب نهایی توسط ملت ایران در انتخابات

ارسال پیش‌نویس قانون اساسی به علما

پیش‌نویس اولیه در تاریخ ۱۰ اسفند ۵۷ بنا بر فرمایش امام^۱ برای علما و مراجع وقت یعنی آقایان گلپایگانی،^۲ سید کاظم شریعتمداری،^۳ سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی،^۴ سید محمدصادق روحانی، عبدالرحیم ربانی شیرازی^۵ و برخی از علمای تهران ارسال شد.^۶ امام نیز در حواشی متنی که در اختیارشان بود، نکاتی را متذکر شدند و برای بررسی به جامعه مدرسین فرستادند. آیت‌الله محمد یزدی بیان می‌کند:

پیش‌نویسی که در اختیار حضرت امام قرار گرفته و به نظر مبارک ایشان رسیده بود و یادداشت‌هایی در کنار صفحاتش مرقوم فرموده بودند، عین آن نسخه را برای جامعه مدرسین قم ارسال کردند که آقایان

۱. دکتر کاتوزیان: «طرح را خدمت امام دادیم... امام در آن جلسه گفتند طرح شما یک مدتی پیش من بماند تا مطالعه کنم. ایشان اصرار داشتند تا طرح را به قم بفرستیم تا جمعی از علمای قم نیز آن را بخوانند تا از نظر شرعی اشکالی نداشته باشد تا من نیز آن را امضا کنم تا به فراندوم گذاشته شود.» (ناصر کاتوزیان، همان، ص ۱۲۵).

۲. رک: اسناد شماره ۱۲، ۵۲، ۶۴، ۷۲، ۷۸، ۸۰.

۳. آیت‌الله شریعتمداری در مصاحبه با خبرنگاران: «پیش‌نویس قانون اساسی را سه، چهار ماه پیش به اینجا آوردند و مطالعه کردیم و شش، هفت ماده آن را حاشیه زدیم، گفتیم باید اصلاح شود.» (جمهوری اسلامی، ۵۸/۳/۲۱، ص ۸).

۴. رک: اسناد شماره ۳۲ و ۵۸ و ۷۶.

۵. آقای ربانی شیرازی در ۵۸/۳/۲۴ اظهار داشت: «از مدتی قبل پیش‌نویس قانون اساسی نوشته شده، وقتی که در قم بودم، آوردند و دیدم اشکالاتی که به نظر رسید، توضیح دادم.» (جمهوری اسلامی، ۵۸/۳/۲۴، ص ۳)

۶. سید جواد ورعی، همان، ص ۵۴؛ (همچنین آقای احمد معرفت از مؤسسه امام صادق (ع) تهران در تاریخ ۵۸/۴/۸ به پیش‌نویس منتشره در مطبوعات اعتراض کرد که غیر از پیش‌نویسی است که برای علما ارسال شده بود.) رک: همان.

آن را ملاحظه کنند و اظهار نظر نمایند. برای این منظور به مدت یک ماه صبح‌ها جلساتی با حضور اعضای جامعه مدرسین تشکیل می‌شد. این جلسه به ریاست آیت‌الله مشکینی تشکیل می‌شد. این نسخه محور بحث و تبادل نظر بود. یک صفحه خوانده می‌شد، نظر امام مطرح و به بحث گذاشته می‌شد و اگر نکاتی به نظر می‌رسید، یادداشت می‌شد.^۱

مهم‌ترین نقدهای وارد بر پیش‌نویس رسمی منتشره در ۲۴ خرداد ۵۸

پس از انتشار پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در رسانه‌های رسمی، انتقاداتی بر آن وارد شد که در ادامه مهم‌ترین این انتقادات را از نظر می‌گذرانید.

الف. اعمال نکردن نظریات علما و امام

جالب توجه است که در پیش‌نویس منتشره در تاریخ ۸ اردیبهشت پاره‌ای از نظریات امام و علما اعمال شده بود و در پیش‌نویس منتشره رسمی مورد توجه قرار نگرفته بود!^۲ این در حالی است که برخی ادعا دارند پیش‌نویس‌های منتشره به جز در چند مورد با تأیید امام همراه بود. بنی‌صدر در یک مصاحبه اظهار می‌دارد:

این قانون اساسی به نظر امام رسیده، امام با دستخط خود در ۹ مورد در آن اصلاحاتی کرده‌اند، پیش‌نویس قانون اساسی اولیه یک دست نبود و ملاحظات امام و آیت‌الله شریعتمداری در مرحله دوم مورد توجه قرار گرفت. تمام موارد قانون اساسی جز یکی، دو مورد که برای مجلس خبرگان گذاشته شده، مورد تأیید امام می‌باشد.^۳

آقای حسن آیت در یک سخنرانی این سؤال را مطرح می‌کند که «اگر امام این پیش‌نویس را دیده‌اند، چرا اینقدر اشکال دارد؟ دیدن غیر از تأیید کردن است، دیده‌اند ولی تأیید نکرده‌اند.»^۴ بیانات امام از ۵۸/۳/۲۶ تا ۵۸/۵/۲۹ یعنی فاصله زمانی بین انتشار پیش‌نویس رسمی تا تشکیل مجلس خبرگان نیز حاوی ده‌ها بار تأکید بر انتخاب اسلام‌شناسان متعهد و ضرورت تدوین قانون اساسی اسلامی می‌باشد. ایشان در تاریخ ۵۸/۵/۳ بیان می‌دارد:

۱. مصاحبه آیت‌الله یزدی پیرامون تدوین قانون اساسی، دبیرخانه مجلس خبرگان، ۸۳/۳/۲۵، رک: پیوست، حاشیه‌های امام، سند شماره ۱۰۴.
۲. سید جواد ورعی، همان، ص ۶۳-۶۱ و ص ۶۶.
۳. جمهوری اسلامی، ۵۸/۴/۱۴، ص ۸.
۴. همان، ۵۸/۴/۱۶.



... بعد از اینکه رسیدیم به اینجا، ما بیاییم یک قانون امریکایی درست کنیم، یک قانون اروپایی درست کنیم، یک قانون اساسی غربی درست کنیم، خون جوان هامان را هدر بدهیم! این الان دست خودتان است. این قانون پیش نویس است، پیش نویس هیچ چیز نیست. باید رأی بدهید. باید نظر بکنید و مهم این است که خبرگان باید اسلامی، امین، مسلمان، متوجه، غرب و شرق و تحت تأثیر غربی و تحت تأثیر شرقی نباشند، تحت تأثیر مکتب‌های انحرافی نباشند. اینهایی که می‌خواهید قرار بدهید این طور نباشد که تحت تأثیر مکتب مارکس مثلاً یا امثال اینها باشند، اینها [نباید] باشند. مجلس خبرگان را که می‌خواهید درست بکنید، باید افراد خبیر به احکام اسلام و اشخاصی که امین هستند و اشخاصی که تحت تأثیر مکتب‌های انحرافی نیستند و اشخاصی که دلسوز به این ملت هستند و اشخاصی که دلسوز به اسلام هستند، یک همچو اشخاصی را البته اشخاص خبیر مطلع و مطلع بر اوضاع روز، اینها را باید تعیین بکنید تا بررسی بکنند و یک قانونی که مطابق با میل همه ملت است، که آن عبارت از قانون غیر مخالف با اسلام [است] و هیچ چیزش مخالف با اسلام نباشد، ان شاء الله درست بشود. و آن وقت به نظر همه مردم گذاشته بشود؛ مردم رأی به آن بدهند، و آن قانون، قانون تصویب شده باشد.^۱

نیز هشدار آیت‌الله گلپایگانی در تاریخ ۵۸/۳/۲۹ و پس از عدم توجه به موارد اصلاحی مدنظر ایشان مورد توجه می‌باشد:

اینجانب از الان ابلاغ می‌کنم اگر قانون اساسی به طور کامل طبق قوانین شرع تدوین نشود و مسئله اتکا حکومت به نظام امامت و ولایت فقیه در آن روشن نشود، حکومت بر اساس آن طاغوتی و ظالمانه خواهد بود...^۲

... از بعضی از مواد این پیش‌نویس معلوم می‌شود که به واسطه فاصله‌ای که در دوران پنجاه و چهار ساله اخیر میان مردم و فرهنگ اسلام ایجاد شده، تحت تأثیر یکی از دو فرهنگ شرق و غرب ناخودآگاه بر آن اند که

۱. صحیفه/امام، ج ۹، ص ۲۴۶، ۵۸/۵/۳؛ نیز رک: همان، ص ۳۰۸، ۵۸/۵/۲۹، پیام امام به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان قانون اساسی.

۲. جمهوری اسلامی، ۵۸/۳/۲۹.

آنچه در مملکت به عنوان نظام مقرر شود باید یا تقلید از نظامات غربی یا نظام شرقی باشد.^۱

نیز یکی از کاندیداهای نهضت آزادی به طور ضمنی به این مطلب اشاره می‌کند. عزت‌الله سبحانی در جلسه خبرگان قانون اساسی با اشاره به اختلافات صدر مشروطه بین مشروطه خواهان و مشروطه خواهان، نظریه نایینی را در خصوص حکومت در عصر غیبت و جایگزینی قوای سه گانه تحت نظارت ملت به جای حکومت معصوم تشریح کرده و می‌گوید: «این پیش نویس قانون اساسی بر این اساس است.»^۲ حال آنکه انتظار می‌رفت پیش نویس بر اساس دیدگاه‌های رهبران نهضت و در رأس آنها امام خمینی تهیه گردد.^۳ نکته مهم دیگر فقدان مسئله رهبری و نبودن اصل ولایت فقیه در پیش نویس است. بررسی نظریات موافقین و مخالفین و چرایی این بحث، نیازمند تفصیل در جایی دیگر می‌باشد.

ب. سکولاریستی و غیر اسلامی بودن پیش نویس

عدم توجه به مبانی دینی در تدوین پیش نویس مذکور، انتقادات زیادی را برانگیخت. این موضوع آن چنان واضح بود که اعضای دولت موقت و چهره‌های ملی گرانیز بر آن اذعان داشتند. به عنوان نمونه کریم سنجابی می‌گوید: «پیش نویس کاملاً دموکراتیک بود.»^۴ همچنین عزت‌الله سبحانی نیز تصریح دارد که:

در مجموع روح لیبرال دموکراسی بر پیش نویس حاکم بود. اما در

شورای انقلاب به تعبیر بنده، آن را سوسیال دموکراسی کردند.^۵

حسین بشیریه نیز می‌گوید: «پیش نویس خصلتی سکولار داشت.»^۶ در ادامه نظریات برخی دیگر از شخصیت‌های سیاسی و مذهبی را از نظر می‌گذرانید:

صادق طباطبایی: «در این پیش نویس، رئیس جمهوری برای ۵ سال انتخاب می‌شود و فقط مجلس شورای ملی وجود دارد. ولایت فقیه در این پیش نویس نیست و نظام، یک نظام دموکراتیک شبه غربی خواهد بود.»^۷

۱. همان.

۲. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، اداره کل فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۸۸-۹۱.

۳. رک: سید جواد ورعی، همان، ص ۶۷-۶۶.

۴. کریم سنجابی، خاطرات سیاسی، لندن، جبهه ملیون، ۱۳۶۸، ص ۳۳۲.

۵. محمدحسین رفیعی، «شریعتی‌الگوی آرمانی توسعه و تجلی آن در قانون اساسی ۱۳۵۸»، چشم‌انداز/ایران، ش ۲۶، ۱۳۸۳، ص ۷۸-۶۵.

۶. حسین بشیریه، دیپلمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی/ایران، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۷، ص ۳۷.

۷. اطلاعات، ۵۸/۱۷، ش ۱۵۸۱۵.



صرف نظر از این که آیا دولت حق دخالت در این کار را داشت یا نه، طرح انحلال مجلس قانون اساسی به خاطر این بود که فهمیده بودند که مجلس خبرگان، به دنبال تصویب اصل ولایت فقیه و تغییر برخی اصول پیش نویس است

غلامحسین ساعدی: «پیش نویس جدید بر پیش نویس قبلی یک برتری ظاهری دارد و آن لائیک بودن آن است.»^۱
جلال الدین فارسی: «...التقاطی از قانون جمهوری پنجم فرانسه و احکام و اصول اسلامی بود.»^۲

سید محمد خاتمی: «متأسفانه در پیش نویس چیزی که نیست، اسلام است و بهتر است آن را قانون اساسی جمهوری یا جمهوری دموکراتیک بنامیم. این همان قانون اساسی است که بختیار می خواست آن را عملی کند.»^۳

حزب جمهوری اسلامی: «متن پیشنهادی قانون اساسی برخلاف آنچه انتظار می رفت و فکر می شد، متأسفانه به گونه ای تدوین و تنظیم شده است که تاراج دهنده منافع و منابع نسل حاضر و نسل های آینده کشور است. این متن پیشنهادی از نوآوری و خلاقیت اسلامی عاری است... این قانون اساسی یک رونویسی است از قانون اساسی گذشته...»^۴
در کنگره منتقدان مسلمان در سخنان برخی اشاره شد که «پیش نویس، پیش نویس حکومت جمهوری است نه جمهوری اسلامی»^۵

آیت الله گلپایگانی با توجه به برخی موارد پیش نویس، آن را تحت تأثیر فرهنگ شرق و غرب دانست که در صفحات گذشته بدان اشاره شد.

عبدالرحیم ربانی شیرازی، علت تغییرات اساسی در پیش نویس را متناسب بودن آن با حکومت دموکراتیک بیان می کند در حالی که خبرگان انتخاب شدند تا قانون اساسی جمهوری اسلامی را تدوین کنند.^۶

آیت الله محمدصادق روحانی: «این پیش نویس غربی است و نباید مبنای کار مجلس خبرگان قرار گیرد. بدتر از قانون اساسی قبلی است، به درد نمی خورد.»^۷
آیت الله یحیی نوری: «پیش نویس نه اسلامی است نه انقلابی! از منتسکیو و

۱. همان، ۵۸/۴/۱۲، ش ۱۵۸۹۵.

۲. جلال الدین فارسی، چهار انقلاب و دو گرایش مکتبی و دنیا دولتی، تهران، سوره مهر، ۱۳۷۶، ص ۴۰۷.

۳. اطلاعات، ۵۸/۴/۲۱، ص ۹، ش ۱۵۹۰۲.

۴. جمهوری اسلامی، ۵۸/۵/۱.

۵. کیهان، ۵۸/۴/۲۰، ش ۱۰۷۵۴.

۶. اطلاعات، ۵۸/۷/۲۹، ص ۴.

۷. کیهان، ۵۸/۴/۲۵، ش ۱۰۷۵۸.

سوسیالیسم غیر عملی بیشتر الهام گرفته تا از قرآن و اسلام و بسیار ضعیف‌تر از قانون اساسی مشروطه.^۱

ده‌ها تن از فضایی حوزه قم، قانون اساسی مشروطه به جز اصول مربوط به سلطنت را بسیار متقن‌تر ارزیابی نمودند.^۲ برای بررسی بیشتر این موضوع به بیانیه‌ها، نامه‌ها و نقدهای وارد شده در بخش بعد توجه فرمایید.

نکته مهم این است که در موضوع پیش‌نویس قانون اساسی ظاهراً آقای ابراهیم یزدی اظهار نظری اثباتاً و نفیاً ندارد. لذا محتمل است که با آن موافق بوده و نیز محتمل است که موافق نبوده! شاید هم به این علت که می‌خواستند کار سریع پیش برود مخالفتی نکردند تا در مجلس خبرگان بررسی‌های لازم انجام شود. همان‌گونه که دیگر اعضای شورای انقلاب نیز خیلی اظهار نظر ندارند.

بیانیه‌ها، پیش‌نویس‌های پیشنهادی و نقدها

در مورد پیش‌نویس منتشر شده گروه‌ها و افراد زیادی به صورت پیام، بیانیه، سخنرانی، اطلاعیه و طرح پیشنهادی مستقل اظهار نظر نمودند. بنابر مقدمه کتاب مشروح مذاکرات قانون اساسی، بیش از چهار هزار پیشنهاد و نیز بیش از ۶۰ طرح پیشنهادی به مجلس خبرگان قانون اساسی رسید.^۳ مهم‌ترین موارد آن عبارت‌اند از:^۴

حواشی امام خمینی بر پیش‌نویس مقدماتی

بیانیه‌ها و پیشنهادهای اصلاحی آیت‌الله گلپایگانی

بیانات آیت‌الله شریعتمداری در مورد مجلس خبرگان و پیش‌نویس

پیشنهادهای آیت‌الله مرعشی نجفی

نامه شهید صدر در پاسخ به پرسش‌ها پیرامون قانون اساسی با عنوان

نگرش فقهی و مقدماتی بر پیش‌نویس

پیام آیت‌الله سید عبدالله شیرازی

۱. جمهوری اسلامی، ۵۸/۵/۶، ص ۴.

۲. همان، ۵۸/۴/۲۱.

۳. رک: مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، همان، ۱۳۶۴، ج ۱، مقدمه و ج ۴، ص ۳.

۴. لازم به تذکر است که اسناد مربوط به این بخش با همکاری دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری و با استفاده از آرشیو روزنامه‌های مختلف به دست آمده است. با توجه به حجم انبوه این اسناد و عدم امکان ذکر تمامی آن موارد، فقط مهم‌ترین موارد بیان می‌گردد. لازم است در صورت نیاز بیشتر، به مجموعه ۲۰ جلدی اسناد و مدارک قانون اساسی موجود در دبیرخانه مجلس خبرگان، مراجعه شود. نیز فهرست تفصیلی این مجموعه در دفتر بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی واحد قم موجود است.



پیشنهادهای آیت‌الله سید محمد صادق روحانی
 پیش‌نویس آیت‌الله سید محمد حسینی شیرازی، «آیین‌نامه جمهوری
 اسلامی» و «به سوی حکومت هزار میلیون مسلمان»
 نظریات آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد قانون اساسی
 مصاحبه‌ها و بیانیه‌ها و پیش‌نویس پیشنهادی آیت‌الله منتظری
 نامه آیت‌الله محمدحسین حسینی طهرانی به امام در نقد و بررسی
 پیش‌نویس
 اطلاعیه آیت‌الله دستغیب
 نامه آیت‌الله وحید خراسانی به امام (۵۸/۳/۲۶) و نامه با همان محتوا
 به رئیس خبرگان
 سخنان آیت‌الله محمدباقر خوانساری از علمای تهران
 سخنان آیت‌الله اسماعیل حسینی مرعشی از علمای اهواز
 سخنان آیت‌الله محلاتی
 پیش‌نویس آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، «قانون اساسی اسلام»،
 در ۱۹۸ اصل
 پیام‌ها و پیشنهادهای آیت‌الله حسن سعید از علمای تهران، «قانون
 اساسی در حکومت مهدی (عج)» و «حکومت از دیدگاه قرآن و عترت»
 پیشنهادهای آیت‌الله رضا استادی
 نامه آیت‌الله امینی به مراجع
 پیام علامه مفتی زاده رهبر مسلمانان کرد
 اعتراض و پیشنهادهای سید ابوالفضل برقی بر پیش‌نویس
 بیانات و اطلاعیه آیت‌الله علامه یحیی نوری
 پیش‌نویس آیت‌الله سید محمد خامنه‌ای در ۲۰۰ اصل، «طرح قانون
 اساسی جمهوری اسلامی»
 بیانیه آیت‌الله معزی ملایری از علمای قم
 پیش‌نویس پیشنهادی مشترک آقایان منتظری، سید محمد
 خامنه‌ای، حسن آیت، فؤاد کریمی در ۸۸ اصل، با عنوان «طرح
 پیشنهادی در قانون اساسی»
 پیشنهادهای آیت‌الله سید حسن مرتضوی از قضات وقت دیوان عالی



خانم دکتر طباطبایی: تلفنی با احمد صحبت کردم... گفت: امام همچنان بر این باورند که شاه باید برود. رژیم شاهنشاهی باید ساقط شود و به جای رژیم سلطنتی، جمهوری اسلامی محقق شود و متذکر شده‌اند این مطالب باید به طور مکرر و پی‌درپی، به مردم گفته شود

کشور، «آنچه هرم مسلمانان باید درباره قانون اساسی بدانند»

بیانیه آقای علی تهرانی از علمای مشهد
نامه آقای طبسی حائری به علما در بررسی پیش‌نویس

نظر حجج اسلام یوسف صباغی، محمد رضایی، محمدرضا علوی سرشکی
نامه آقای رضا بهجت به آیت‌الله گلپایگانی

پیشنهادهای مجمع علمی پژوهش‌های اسلامی، «نقد پیش‌نویس قانون اساسی»

بیانیه ده‌ها تن از فضایی حوزه علمیه قم
نامه علمای اصفهان، جمهوری اسلامی

نامه نمایندگان گروه‌های اسلامی کردستان به امام

نظریات جامعه و عاظم قم پیرامون پیش‌نویس قانون اساسی

بیانیه جامعه روحانیت تهران

مقدمه مؤسسه در راه حق قم بر قانون اساسی

پیش‌نویس پیشنهادی انجمن حجتیه

پیشنهادات و نظریات انجمن زرتشتیان ایران بر پیش‌نویس قانون اساسی

مقاله دکتر حسن آیت

نظریات دکتر سنجابی، دکتر بهشتی و سازمان مجاهدین خلق

حبیب‌الله بصیری، «مطالبی درباره قانون اساسی جمهوری اسلامی»

محمد آل اسحاق، «زمینه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

مقاله سید محمد خاتمی در مورد قانون اساسی

ح. کریمی، نقد بر پیش‌نویس قانون اساسی

مصاحبه‌های بنی‌صدر در مورد قانون اساسی

نقدهای ن. ف. لواسانی بر پیش‌نویس

نقدهای خسرو علوی‌زاده بر پیش‌نویس

نظر دکتر فاروق در مورد قانون اساسی
 نظر آقای مکفی در مورد قانون اساسی
 نقدهای دکتر کاتوزیان بر قانون اساسی
 صحبت‌های صدر حاج سید جوادی در مورد پیش‌نویس
 نظریات جامعه قضات در مورد پیش‌نویس
 جمعیت حقوق دانان ایران، برگزاری سمینار هشت روزه «خواست
 ملت از قانون اساسی» از ۵۸/۳/۲۶ تا ۵۸/۴/۶ با سخنرانی فاطمی،
 بابکی، سمیعان، بهبهانی، معتمدنژاد، محفوظ، رحیمی، ضیاء‌الدین،
 خواجه نوری، بقایی یزدی، ابوالمحمد، منتظر حقیقی، متین‌دفتری.
 کنگره مسلمانان منتقد با سخنرانی‌های عراقی، طالقانی، ملکی،
 صادقی، کریمی، سید علی خامنه‌ای و... در نقد و بررسی پیش‌نویس.
 سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، پیش‌نویس پیشنهادی در ۱۶۶
 اصل

سازمان مجاهدین خلق ایران
 سازمان انقلابی، پیش‌نویس پیشنهادی در ۶ فصل و ۹۷ بیانیه و
 پیشنهادهای حزب توده
 جبهه ملی ایران، «درباره پیش‌نویس قانون اساسی»
 نظریات اصلاحی حزب اتحادالمسلمین
 بیانیه جامعه بهائیان ایران و «پیشنهاد مقدمه و متن اصلاحی برای
 پیش‌نویس»

اتحاد دموکراتیک مردم ایران، چاپ سرمقاله در نشریه خود
 پیشنهادات حزب زحمتکشان ایران، «نقطه‌نظرات در مورد
 پیش‌نویس قانون اساسی»
 بررسی‌های گروه سوسیالیست‌های مبارز از پیش‌نویس قانون اساسی
 پیشنهادهای جاما (جنبش انقلابی مردم ایران)
 اتحادیه کارگران و دهقانان، جزوه «قانون اساسی جمهوری اسلامی
 یا قییم‌نامه؟»

نشریه راه کارگر، هفته‌نامه/اتحاد چپ.
 دانشجویان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، «ولایت

فقیه گشادترین کلاهی که بر سر مردم می‌رود»
انتقادات جمعیت دفاع از آزادی
انتقادات جمعیت ملی زنان به پیش‌نویس قانون اساسی

موضع نهضت آزادی در مورد قانون اساسی و بحث انحلال مجلس خبرگان

مهندس مهدی بازرگان، دبیر کل نهضت آزادی قبل از انقلاب موضع حزب را چنین بیان می‌کند:

نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است. اگر شاه حاضر باشد تمام مواد قانون اساسی را به اجرا درآورد، ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم.^۱
مهندس مهدی بازرگان هنگام تقدیم طرح پیش‌نویس به مجلس خبرگان قانون اساسی بیان می‌کند:

در طرح تقدیمی، آنچه از اصول آزادی، حق انتقاد، حاکمیت ملی و رأی اکثریت آمده است، نه ارمغان مغرب‌زمین و تقلید و تحمیل بیگانگان است و نه میراث نظام شاهنشاهی مخلوع بلکه در تعبیرهای اختیار امر به معروف و نهی از منکر و دستور مشورت، محتوی اصولی است منطبق با قرآن و منبعث از مشیت ازللی رحمانی.^۲

سخنان فوق نشان از موافقت نهضت آزادی با پیش‌نویس می‌باشد. دلایل موافقت با این پیش‌نویس این بود که آنها همانطور که گفته شد، قانون اساسی دلخواه خود را در دولت موقت به تصویب رساندند و اصولی چون ولایت فقیه در آن دیده نمی‌شد. نیز با ادعای تأیید امام، به دنبال عدم تغییر در آن بودند. شاید دلیل دیگر موافقت نهضت آزادی با قانون اساسی، این بود که آنها احتمال نمی‌دادند در انتخابات مجلس، رأی زیادی خواهند داشت؛ به طوری که ۶۹ درصد افراد حائز آرا از میان فقها و روحانیون انتخاب شوند. کریم سنجابی از بازرگان نقل قول کرده که بزرگترین اشتباهش، اصرار بر مجلس مؤسسان قانون اساسی بوده زیرا این مجلس اصل ولایت فقیه را تصویب کرد و نفوذ روحانیون را تحکیم بخشید.^۳ مهندس بازرگان در جاهایی دیگر نیز پیش‌نویس مصوب

۱. اسناد لانه جاسوسی آمریکا، بخش اول، دانشجویان پیرو خط امام، تهران، ۱۳۶۳، ص ۷؛ اسناد نهضت آزادی، بی‌جا، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۶.

۲. اطلاعات، ۵۸/۵/۲۹.

۳. سعید برزین، زندگی‌نامه سیاسی بازرگان، تهران، مرکز، ۱۳۹۵، ص ۲۹۵.



امام خمینی (ره): با توجه به تجارب تلخ گذشته ملت ما از این خاندان، هیچ گونه راه حلی در چهار چوب شاه سلطنت کند و نه حکومت، قابل قبول نخواهد بود. علی الاصول ما با رژیم سلطنتی مخالف هستیم

دولت موقت را بهتر از قانون تصویب شده در مجلس خبرگان می دانست.^۱

نهیست آزادی پس از تصویب نیز در بیانیه‌ای، موافقت خود را با اجرای آن قانون اساسی اعلام نمود: با آنکه قانون اساسی را از نقص و عیب و بی‌نیاز از اصلاح و تکمیل از طریق قانونی نمی دانیم، ولی چون با آرای عمومی، قوت قانونی پیدا کرده و نعم البدلی نداشته، تضعیف و تردید در آن واژگون کننده اساس نظاممان خواهد شد. طرفدار، وفادار، مدافع و پاسدار آن هستیم و آن را دستاورد انقلاب و سرمایه ملی خود می دانیم.^۲

البته نهضت آزادی بعداً بیان می کرد که اعتقاد به این قانون لازم نیست و صرف التزام کافی است: «در رابطه با اصول قانون اساسی و هر قانون دیگری، باید اصل التزام مورد نظر باشد نه اعتقاد.»^۳ بررسی التزام عملی آنها به قانون اساسی نیازمند تفصیل در جای دیگری می باشد.

بنابراین نهضت آزادی در جریان پیش نویس قانون اساسی، کاملاً موافق بوده زیرا خودشان آن را نوشتند اما در مجلس خبرگان قانون اساسی پیش نویس تغییرات فراوانی یافت؛^۴ به طوری که در همان زمان و هنوز نیز کسی مثل ابراهیم یزدی در صحبت‌هایش از این موضوع گله‌مند است. اما موضع بیانیه‌های نهضت در آن مقطع، قبول کردن قانون

۱. رک: آن سوی اتهام؛ محاکمات و دفاعیات امیرانتظام، تهران، نی، ۱۳۸۱، ص ۲۶؛ رک: خاطرات و مبارزات شهید محلاتی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۵. به گفته شهید محلاتی، مهندس بازرگان روزی در دانشگاه تهران، پیش از خطبه‌های نماز جمعه در بر خورد با آقای منتظری به انتقاد و پر خاش پرداخت که چرا قانون اساسی را عوض کردید؟ چرا آیین نامه مجدد نوشتید؟ نیز مرحوم منتظری که آن زمان ریاست مجلس خبرگان قانون اساسی را بر عهده داشت می گوید: «... متن این پیش نویس را دولت موقت چاپ کرد و به ما داد و اصرار هم داشت که همان متن را بنشینیم تصویب کنیم و حتی ما می گفتیم کلماتی از آن را عوض کنیم، می گفتند نه عیناً همین متن را تصویب کنید! ما گفتیم اینکه نمی شود ما باید نظر خودمان را مطرح کنیم.» (حسینعلی منتظری، خاطرات، منتشر شده در سایت اینترنتی وی، ج ۱، ص ۴۵۸).

۲. نهضت آزادی ایران، کتاب ۷ اسفند، ص ۹۶.

۳. بیانیه ۱۶۲۱ نهضت آزادی، ۶۸/۹/۸.

۴. مرحوم منتظری از تصمیم نهضت آزادی چنین می گوید: «در همان روز اول آقای صباغیان آمد پیش من و گفت ما فکرش را کرده‌ایم که آقای طالقانی را به عنوان رئیس قرار بدهیم و آقای بنی صدر را به عنوان معاون و جلسات را ایشان اداره کنند. من چیزی به او نگفتم ولی بعداً هنگامی که هیئت رئیسه سنی مشخص شد، برای تعیین رئیس دائم رأی گیری به عمل آمد و مرا به نواب رئیس معین کردند و مرحوم آقای بهشتی را به عنوان نائب رئیس. آقای صباغیان چون از گروه نهضت آزادی بود، دوست داشت مجلس را آقای بنی صدر اداره کند.» (حسینعلی منتظری، همان، ج ۱، ص ۴۵۱).

است. نیز در همان زمان بحث انحلال مجلس خبرگان از طرف دولت موقت طرح شد. در تاریخ ۵۸/۷/۱۸، به پیشنهاد عباس امیر انتظام،^۱ معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت موقت، جلسه‌ای در منزل تقی انواری و با حضور آقایان امیر انتظام، مقدم مراغه‌ای، عباس سمیعی، فتح‌الله بنی‌صدر، عباس رادنیایا و احمد صدر حاج سید جوادی برقرار شد و طرح انحلال مجلس خبرگان ریخته شد.^۲ دلایل آنها این بود که مدت زمان بررسی و

۱. بنی‌صدر در خاطرات خود ادعا دارد که این طرح توسط برادر وی، فتح‌الله بنی‌صدر تهیه شد. رک: بنی‌صدر، درس تجربه، ص ۲۰۰.

۲. امیر انتظام، در دادگاه چنین می‌گوید: «نظر من بر این بود که مشکلات مانندی از فقدان قانون است و چون در این رابطه مجلس خبرگان که ماهیتی بدعت‌آمیز داشت تخلف کرده بود، طرح انحلال آن را پیشنهاد کردم. مردم ایران به نمایندگان خود این وظیفه را محول نموده بودند که پیش‌نویس قانون اساسی تهیه شده توسط دولت موقت را مورد بررسی قرار دهند. در زمان تشکیل مجلس خبرگان سه تخلف نسبت به فرآیند ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ انجام شده بود: ۱. پیش‌نویس قانون اساسی تهیه شده توسط دولت موقت بایستی مورد بررسی قرار می‌گرفت، در حالی که این پیش‌نویس دور انداخته شده بود و یک پیش‌نویس قانون اساسی مذهبی مورد بررسی و مذاکره قرار گرفته بود ۲. قرار بود پیش‌نویس قانون اساسی دولت موقت در مجلس مؤسسان مورد بررسی قرار گیرد. در حالی که مجلس خبرگان با نمایندگانی که اکثر آرواحانی بودند و با تعداد ۷۵ نفر تشکیل شده بود. ۳. مدت زمان رسیدگی یک ماه تعیین شده بود در حالی که مجلس بیش از ۳ ماه ادامه داشت.

بنابراین طرح انحلال مجلس خبرگان، پاسخی بود به خواست مردم که منتظر یک قانون اساسی جدید و دموکراتیک در مقابل قوانین رژیم سلطنتی بودند و به این ترتیب بر مبنای پیش‌بینی من، از تدوین یک قانون اساسی که قدرت را در انحصار روحانیون قرار می‌داد، جلوگیری به عمل می‌آمد. پس از تأیید پیشنهاد من، از افراد حاضر در جلسه که عده‌ای حقوقدان در بین آنها بود تقاضا کردم که متن حقوقی طرح را تهیه نمایند. متن این طرح توسط آقایان احمد صدر حاج سید جوادی (وزیر دادگستری) و فتح‌الله بنی‌صدر (دادستان کل) تهیه و انشا و اصلاح نهایی آن به عهده فتح‌الله بنی‌صدر گذاشته شد. صبح روز بعد به منزل فتح‌الله بنی‌صدر رفتم و طرح تهیه شده را گرفتم، ولی طرح مزبور بدون اطلاع مهندس بازرگان تهیه شده بود و من مخصوصاً ایشان را در جریان جلسه طرح قرار نداده بودم تا نتیجه کار را به اطلاع ایشان برسانم. لذا طرح را به نخست‌وزیری بردم و از آقای بازرگان خواهش کردم دستور دهد در اتاق ایشان را قفل کند تا من بتوانم جریان مذاکرات دیشب را به اطلاعشان برسانم. ایشان دستور داد در اتاقشان را قفل کردند و من نخست‌وزیر را در جریان مذاکرات و تصمیمات و نتایج جلسه شب قبل قرار دادم. آقای بازرگان پس از مطالعه طرح، سرش را روی دست‌های خود روی میز قرار داده و مدتی فکر کرد پس از نزدیک به بیست دقیقه سرش را بلند کرد و گفت: من هم با این طرح موافقم، بعد اضافه کرد: برو خودت متن را در روی کاغذ بلندی ماشین کن و آن را به امضای وزرا برسان. من متن ماشین شده را به وزرا خوانده‌ام و مختلف بردم و ۱۴ نفر از وزرا آن را امضا کردند. آقایانی که مخالف طرح بودند و آن را امضا نکردند عبارت بودند از: دکتر ابراهیم یزدی (وزیر امور خارجه)، مهندس هاشم صباغیان (وزیر کشور)، مهندس علی‌اکبر معین‌فر (وزیر نفت) و دکتر ناصر میناچی (وزیر ارشاد).

در آن زمان به دلیل بروز اختلافاتی بین دولت و شورای انقلاب چند نفر از اعضای دولت در شورای انقلاب شرکت می‌کردند و چند نفر از اعضای شورای انقلاب بدون داشتن حق رأی در هیئت دولت شرکت می‌نمودند و من می‌دانستم در صورتی که طرح تصویب شده در هیئت وزیران، برای اطلاع مردم ایران اعلام نشود و موقوف به تصویب آیت‌الله خمینی گردد آن طرح اجرا نخواهد شد. به همین دلیل قبل از اینکه نخست‌وزیر از اتاق به محل تشکیل کابینه برود به ایشان پیشنهاد کردم خبرنگاران رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها را دعوت کنیم تا در نخست‌وزیری حضور پیدا کنند و آقای بازرگان بلافاصله پس از خروج از هیئت دولت، طرح تصویب شده را به اطلاع خبرنگاران برساند. نخست‌وزیر پیشنهاد را پذیرفت و من از رئیس دفتر ایشان خواستم تا از خبرنگاران دعوت کند و خودم در اتاق رئیس دفتر ایشان منتظر ماندم. جلسه هیئت دولت پنج ساعت طول کشید. اولین کسی که از جلسه خارج شد و به طبقه بالا آمد شخص نخست‌وزیر بود من بالای پله‌ها انتظار ایشان را می‌کشیدم. ایشان فوق‌العاده عصبی و هیجان‌زده بود. وقتی به من رسید مرا به کناری کشید و ابتدا سوگند داد تا مسئله را فراموش کنم و دوم اینکه بلافاصله به سوئد بازگردم از ایشان جریان را پرسیدم: گفت بعداً برایت خواهم گفت. رک: بنی‌صدر، سؤی اتهام؛ خاطرات عباس امیر انتظام، ج ۱، ص ۵۰-۴۸.





تنظیم قانون اساسی به پایان رسیده و چون از لحاظ شرعی و حقوقی و کالت و نمایندگی به زمان در نظر گرفته شده محدود است و بعد از انقضای آن نمایندگان نمی‌توانند زمان و کالت خود را یک‌طرفه تمدید نمایند، بنابراین باید مجلس منحل شود.^۱ این طرح در هیئت دولت به امضای ۱۷ نفر از اعضای دولت رسید و تنها ۴ نفر آن را امضا نکردند.^۲ در شب تصویب نیز دولت روزنامه‌ها را آماده نگه داشت تا خبر مصوبه را به صورت فوق‌العاده منتشر کنند و رادیو-تلویزیون هم آن را بلافاصله اعلام کنند. در این میان بازرگان آن را منوط به تأیید امام کرد و البته امام نیز قاطعانه با آن مخالفت کردند:

مگر شما می‌توانید که مجلس خبرگانی که ملت با آن آراء زیاد این مجلس را درست کرده با یک کلمه‌ای که شما بگویید «ما می‌گوییم که منحل باشد» مگر با این حرف‌ها شما می‌توانید، مگر شما قابل آدم هستید! اگر چنانچه ولایت فقیه بشود، دیگر همه قدرت‌ها دست فقیه می‌آید! پس بنابر این عزا باید بگیرید! اینها اگر همه قدرت‌ها دست رئیس‌جمهور مثلاً کذایی بیاید، هیچ حرفی ندارند، همه قدرت‌ها دست رئیس‌جمهور باشد، اگر همه قدرت‌ها دست یک نخست‌وزیر مثلاً منحرفی بیاید، آن هم حرفی به آن ندارند. اما اگر قدرت، نه آن قدرتی که قدرت شیطانی است، آنی که نظارت بر امور مملکت است که نبادا معوج بشود... باز هم با رأی ملت. باز هم رأی ملت است که آن اشخاص را یا آن هیئت‌هایی را که مثلاً می‌خواهند درست بکنند، با رأی ملت درست می‌شود، با اکثریت. شماها در اقلیت هستید. نشست‌اید آنجا با قلم می‌خواهید حکومت کنید بر اکثریت!^۳

صرف نظر از این که آیا دولت حق دخالت در این کار را داشت یا نه، این طرح به خاطر این بود که فهمیده بودند که مجلس خبرگان، به دنبال تصویب اصل ولایت فقیه و تغییر

۱. جمهوری اسلامی، ۵۹/۴/۹، ش ۳۱۱، مصاحبه شهید قدوسی دادستان کل کشور.

۲. حاج سیدجوادی، از اعضای دولت موقت تهیه طرح انحلال مجلس خبرگان قانون اساسی را این‌گونه شرح می‌دهد: «حضرت امام از سخنان توطئه‌آمیز آنان سخت برآشفته می‌شود. امیرانتظام طرحی که امضای ۱۸ وزیر کابینه را در ذیل خود داشت، به بازرگان داد و اگر چه رئیس دولت موقت امضای تمامی وزیران را می‌پسندید و از عدم امضای معین فر، صباغیان، یزدی و میناچی، که به دلایل ناکافی بودن دلایل از امضای آن خودداری کرده بودند، راضی نبودند.» آن سوی اتهام؛ خاطرات امیرعباس انتظام، ج ۱، ص ۴۸.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۹؛ نیز رک: همان، ج ۱۴، ص ۴۳۷: «قضیه طرح آنکه مجلس خبرگان منحل بشود که در زمان دولت موقت این طرح شد و بعد هم معلوم شد که اساسش از امیرانتظام بوده و آن مسائل. آن وقت آمدند آقایان پیش ما؛ همه این آقایانی که آقای بازرگان و رفقایش گفتند: ما خیال داریم این مجلس را منحلش کنیم. من گفتم: شما چه کاره هستید اصلش که می‌خواهید این کار را بکنید! شما چه سمتی دارید که بتوانید مجلس منحل کنید؟ یا شوید بروید سراغ کارتان. وقتی دیدند محکم است مسئله، کنار رفتند.»

آغاز دروس ولایت فقیه امام در سال‌های پایانی دهه چهل، در کانون‌های نخبگانی و عموم مبارزان بازتاب نسبتاً گسترده یافت. این تکاپوها در ابتدای دهه پنجاه شمسی، منجر به تدوین نخستین پیش‌نویس «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» گردید

برخی اصول پیش‌نویس است. مهندس بازرگان در یک سخنرانی به مناسبت رحلت آیت‌الله طالقانی از مصوبات مجلس خبرگان اظهار نگرانی می‌کند. در پاسخ او، نایب رئیس مجلس خبرگان اظهار شگفتی می‌کند و وجود هر گونه نگرانی را رد می‌کند.^۱ شهید سید عبدالکریم هاشمی نژاد نیز در سخنرانی خود به وی جواب می‌دهد:

موقعی نگران می‌شویم که این انقلاب را بدهیم به دست کسانی که

در این مدت هشت ماه تجربه نشان داد که آنگونه که باید نمی‌توانند عمل کنند. مسئله ولایت فقیه این است که اگر امروز این را در قانون اساسی ننویسیم، فردا امام خمینی هم اگر بخواهد در یک موضوعی اظهار نظر کند، می‌گویند تو مقام غیر مسئولی و حق نداری اظهار نظر بکنی. ما می‌خواهیم پای ولایت فقیه را به دولت و حکومت بکشانیم تا فردا به فقیه نگویند که تو آدم غیر مسئول هستی و نمی‌توانی اعتراض کنی.^۲

امیر انتظام بعدها از بازرگان به خاطر نداشتن شجاعت در اعلام انحلال مجلس خبرگان و در میان گذاشتن طرح با امام گلایه نمود و گفت:

متأسفانه مهندس بازرگان با همه خصوصیات عالی و قدرت فوق‌العاده در قبول شرایط سنگین زمان، فاقد جسارت کافی است. فردا بازرگان و عده‌ای از افراد هیئت دولت به دیدن امام رفتند و طرح را مطرح کردند. پرواضح بود که امام آن را رد خواهد کرد، در حالی که اگر قبلاً اعلام شده بود، شانس رد کردن آن ده درصد بود ولی در عوض ۳۶ میلیون مردم که به دلیل وضع خاص زمان فکر می‌کردند به جای پیاده کردن قانون

۱. شهید بهشتی: «ملت ما و تحصیل کرده‌های ما نگران چه هستند؟ برای من و برای دوستانمان خیلی بیشتر اظهار نگرانی آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر مورد علاقه‌مان در سخنرانی دیروزشان مورد توجه بود زیرا از سخنان ایشان هم نگرانی از کار مجلس خبرگان استشمام می‌شد. ایشان از چه چیز نگران هستند؟ از اینکه نمایندگان به راستی میلیون‌ها مسلمان انقلابی ایران، اینجا گرد هم آمده‌اند تا قانون اساسی را بر پایه اصالت‌های اسلام بررسی و تصویب کنند، نگرانند؟» (مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، ص ۳۷۰).
۲. مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۲، ص ۱۶۸؛ جالب توجه است که در همان ایام رادیوهای بیگانه مثل بی‌بی‌سی از امام خمینی به عنوان «یک مقام غیر رسمی» یاد می‌کردند. رک: کیهان، ۵۸/۶/۲۷، ش ۱۰۸۰۹، ص ۷.



اسلام، آخوندیسم بر مملکت حکومت خواهد کرد، بپا خاستند و تحت رهبری امام بازگشت بازرگان را از ایشان خواستند.^۱ بازرگان، بعدها عملکرد مجلس خبرگان در تصویب اصل ولایت فقیه را یکی از معضلات دانست و از سرایت آن به تمام ارکان حکومتی انتقاد کرد.^۲

مراجعه به آرای عمومی؛ آخرین گام در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی

پس از استعفای دولت بازرگان در اعتراض به تسخیر لانه جاسوسی امریکا، (برخلاف آنچه در برخی منابع رسمی آمده است)^۳ عملاً پروسه تدوین قانون اساسی ناتمام ماند و دولت موقت نتوانست «کار تصویب قانون اساسی در مجلس خبرگان» را به سرانجام برساند؛ همچنان که موفق نشد «همه‌پرسی قانون اساسی» را برگزار کند. لذا امام خمینی در حکم مربوط به «قبول استعفای نخست‌وزیر و بیان مأموریت‌های شورای انقلاب»، یکی از مسئولیت‌های شورای انقلاب را «تهیه مقدمات همه‌پرسی قانون اساسی» برمی‌شمارند.^۴

قانون اساسی جمهوری اسلامی ابتدا به صورت پیش‌نویس‌های متعددی در جامعه فکری-رسانه‌ای ایران مطرح گشت و در ادامه، در مجلس خبرگان قانون اساسی به بحث گذاشته شد و به دست اعضای همین مجلس تصویب شد. تصویب قانون اساسی (در ۱۷۵

۱. آن سوی اتهام؛ خاطرات/امیرعباس انتظام، محاکمات و دفاعیات امیر انتظام، تهران، نی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۶.

۲. رک: بازرگان، انقلاب/ایران در دو حرکت، بی‌جا، ۱۳۶۳، ص ۱۸۳.

۳. به عنوان نمونه در مدخل «خمینی، روح‌الله» در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی چنین آمده است: «دولت موقت با رهبری و رهنمودهای آیت‌الله خمینی، برگزاری انتخابات مجلس خبرگان، تدوین قانون اساسی، برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی، و در نهایت تثبیت نظام جمهوری اسلامی برای کشور ایران، در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، صورت داد.» (مدخل خمینی، ص ۶۷۹) اساساً برگزاری همه‌پرسی قانون اساسی مربوط به دوره دولت موقت نیست. چه اینکه پس از استعفای دولت موقت در حکم شورای انقلاب بر انجام آن تأکید شده است!

۴. در حکم ایشان چنین آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم
شورای انقلاب جمهوری اسلامی

چون جناب آقای مهندس مهدی بازرگان، با ذکر دلایلی برای معذور بودن از ادامه خدمت، در تاریخ ۵۸/۸/۱۴ از مقام نخست‌وزیری استعفا نمودند، ضمن قدردانی از زحمات و خدمات طاقت‌فرسای ایشان در دوره انتقال، و با اعتماد به دیانت و امانت و حسن نیت مشارالیه، استعفا را قبول نمودم. شورای انقلاب را مأمور نمودم برای رسیدگی و اداره امور کشور در حال انتقال، و نیز شورا در اجرای امور زیر بدون مجال، مأموریت دارد:

۱. تهیه مقدمات همه‌پرسی قانون اساسی؛

۲. تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی؛

۳. تهیه مقدمات تعیین رئیس جمهور.

لازم به ذکر است که با اتکال به خداوند متعال و اعتماد به قدرت ملت عظیم‌الشأن، باید امور محوله را، خصوصاً آنچه مربوط است به پاسسازی دستگاه‌های اداری و رفاه حال طبقات مستضعف بی‌خانمان، به طور انقلابی و قاطع عمل نمایند. ۵۸/۸/۱۵- روح‌الله الموسوی الخمینی، رک: صحیفه/امام، ج ۱۰، ص ۵۰۱.

اصل) در تاریخ ۲۴ آبان ۵۸ به اتمام رسید و متن مصوب، در آذر ۱۳۵۸ با همه‌پرسی مردمی، به تصویب عمومی رسید.

جمع‌بندی

بررسی سیر تدوین پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی در سال‌های ۵۷ و ۵۸، نشان می‌دهد جریان حاکم در دولت موقت به دنبال آن بود که مبانی و موازین شریعت به صورت حداقلی در مفاد قانون اساسی بازتاب یابد و از همین حیث، چه در تعیین نوع نظام سیاسی و چه در سایر اصول تعیین‌کننده (مانند ولایت فقیه)، نوعی گرایش به قانون‌نگاری سکولار یا قانون با پیوند حداقلی با دینت، در عملکرد حضرات متبلور است. این ماجرا نشان می‌دهد که آقایان خواسته یا ناخواسته، به دنبال تکرار تجربه تلخ مشروطه در تبدیل مجلس شورای اسلامی به مجلس شورای ملی بودند که با تدبیر داهیانه امام خمینی (ره) در وارد کردن مراجع، علما و مردم به ماجرای قانون اساسی، پروژه آنها با شکست مواجه گردید و همین شکست تاریخی، زمینه‌ساز ایجاد یک حکومت «مردم‌سالار دینی» و تصویب قانون اساسی آن در پاییز ۱۳۵۸ (در دوران استعفا و کناره‌گیری جریان دولت موقت) گردید.

